

مروری بر فرآیند خصوصی سازی در رژیم صهیونیستی

معاونت پژوهشی

مقدمه:

بعد از آنکه درک از لزوم خصوصی سازی حاصل شد، تعیین مراحل، نحوه عمل و نظارت بر آن، اهمیت اساسی پیدا می کند. در این مقطع، اکثر دولت ها، نمره پایینی کسب می کنند. در رابطه با خصوصی سازی در رژیم صهیونیستی نیز این تجربه در مراحل اولیه، عملکرد نسبتاً رضایت بخشی داشت، اما در مورد مراحل بعدی آن انتقاداتی بر فرآیند خصوصی سازی وارد است که در این گزارش مورد بررسی قرار می گیرد.

خصوصی سازی به مثابه یکی از مهمترین اقدامات در جهت حرکت به سمت اقتصاد باز است. اقتصادهای نوپایی چون رژیم صهیونیستی که در ابتدای مراحل توسعه یافتگی، بار سنگین فرآیند توسعه را به دوش دولت می گذارند، به ناچار با قبول ناکارایی سیستم دولتی در اداره اقتصاد، اقدام به واگذاری شرکت های دولتی می کنند. البته قبل از این واگذاری ها، بایستی اقداماتی در جهت آزادسازی بازارهای داخلی و خارجی و نیز کاستن تنظیمات کنترلی، توسط دولت انجام پذیرد.

(۱) مفهوم و الزام خصوصی سازی:

اقتصاد به مثابه کودکی است که در مراحل مختلف رشد، نیازمند مراقبت

آنها در بورس و نیز به مناقصه گذاشتن تصدی خدمات می‌شود.

در رژیم صهیونیستی نیز همانند بسیاری از کشورهای جوان، دولت بعنوان تأمین‌کننده محرک‌های اولیه توسعه اقتصادی و خالق ظرفیت‌های ملی برای رقابت در بازار جهانی، ظاهر شد. با گذر زمان، مداخله دولت در اقتصاد، بنا به موقعیت امنیتی پیچیده‌اش و نیاز به ایجاد یک نظام پیچیده صنعتی - نظامی بیشتر شد. حدود سال‌های ۱۹۸۰، این درک از وضعیت بدست آمد که اقتصاد در حال بلوغ است و بخش خصوصی آنقدر توسعه یافته است که بتواند تصدی‌گری بخش‌های تحت مدیریت دولت را از آن خود کند. (۱)

در باب لزوم خصوصی‌سازی، ادبیات اقتصادی بر کارا بودن انجام امور توسط بخش خصوصی در مقایسه با بخش دولتی تأکید می‌ورزد. نگاه‌های خصوصی که به دنبال حداکثر کردن سود هستند منابع را به نحوی تخصیص می‌دهند که با حداقل هزینه همراه باشد. بدین ترتیب اقتصاد به نحو مطلوبی از منابع خود استفاده می‌کند. همچنین فساد و عدم تحرک (قانونی و

می‌باشد. این امر، بخصوص در رابطه با کشورهای جوان، براحتی قابل مشاهده است. بخش خصوصی در مراحل اولیه رشد اقتصادی توان و صلاحیت به عهده گرفتن تمامی امور را ندارد و لذا نقش دولت طی این دوران بسیار چشمگیر است. دولت‌ها صنایع مادر را تأسیس می‌کنند، به امور زیربنایی می‌پردازند، آموزش و بهداشت را ترویج می‌دهند، امنیت را تأمین و قانون را حاکم می‌سازند تا صاحبان اصلی اقتصاد یعنی مردم، خود اداره امور را بدست گیرند. سپس وظیفه دولت به موارد معدود، اما مهمی محدود می‌شود.

اما خصوصی‌سازی چیست؟

خصوصی‌سازی فرایند دست کشیدن دولت از اداره اموری است که بخش خصوصی نیز توان و صلاحیت انجام آن را دارد و لذا دولت تصدی امور را به بخش خصوصی واگذار می‌کند. این فرایند در اقتصادهای جوان که تصدی‌گری دولت بالاست، با شدت دنبال می‌شود ولی در اقتصادهای آزاد، روندی کند و لسی پویا دارد. خصوصی‌سازی از طرق مختلفی صورت می‌گیرد که شامل به مزایده گذاشتن شرکت‌های دولتی یا عرضه سهام

سویسیدی، استراتژی‌های جایگزینی صادرات و واردات را تشویق می‌کرد و در همین اثنا توافق‌های تجاری با شورای اقتصادی اروپا (EEC)، توافق‌نامه منطقه‌ای تجارت آزاد (FTA) در حوزه کالاهای صنعتی در سال ۱۹۷۵ و یک توافق‌نامه با آمریکا در سال ۱۹۸۵ بسته شد که فرآیند آزادسازی تجارت خارجی را به اوج خود رساند. (۳)

اواخر سال ۱۹۷۷ آزادسازی تجاری قابل ملاحظه‌ای رخ داد. در اکتبر آن سال رژیم صهیونیستی از سیستم نرخ ارز ثابت به سمت نظام نرخ‌ی شناور حرکت کرد و محدودیت‌هایی را که روی جابجایی سرمایه وجود داشت بطور قابل ملاحظه‌ای برداشت. با این حال یک مارپیچ تورمی وحشتناک گریبان فرآیند آزادسازی را گرفت. (۴)

جریان سرمایه تا آغاز قرن جدید بطور کامل آزاد نشده بود. طی دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ روش‌های آزادسازی بیشتری به اجرا داخلی، در سیاست پولی و انواع ابزارهای مداخله دولت در اقتصاد مصداق داشتند. گرچه نقش دولت در اقتصاد بشدت در حال کاهش بود اما برخی از عملکردهای

انگیزشی) عناصر متصل به تصدی‌گری دولت هستند. بنیامین نتانیاهو، در زمان تصدی وزارت دارایی (سالهای ۲۰۰۵-۲۰۰۳) وضعیت اقتصادی رژیم صهیونیستی را در آن زمان این گونه تصویر کرد: «اقتصاد اسرائیل صرفاً یک بیمار نیست، بلکه در حال خونریزی است و تنها زمانی که خونریزی بند بیاید می‌توان امید به معالجه و بهبود حال این بیمار داشت» (۲)

۲) خصوصی‌سازی در رژیم صهیونیستی

۲-۱) تاریخچه خصوصی‌سازی:

چرخش آرام اقتصاد رژیم صهیونیستی به سمت اقتصاد بازار آزاد در دهه ۱۹۶۰ آغاز شد. این فرآیند در واکنش به درک سیاستگذاران از مشکلات ناشی از مداخله شدید دولت در اقتصاد و چالشی که با شکل‌گیری اتحادیه اروپا از جانب تجارت خارجی تحمیل می‌شد، رونق گرفت. حرکت آرام موج خصوصی‌سازی ابتدا در بخش تجارت خارجی بروز پیدا کرد. اعمال محدودیت‌های کمی در قبال واردات با حمایت‌های تعرفه‌ای جایگزین شد که خود آنها نیز رفته رفته کمرنگ شدند. نرخ‌های واقعی‌تر ارز به جای حمایت‌های مستقیم و

شرکت که شامل شرکت‌های دریافت‌کننده یارانه و دو بانک می‌شود در استان دولت باقی مانده است. در ۷ شرکت و ۴ بانک دیگر نیز سهم دولت کاهش پیدا کرده است. از سال ۱۹۹۰، پیشرفت‌های زیادی در اجرای برنامه‌های دولت وجود داشته است. طی سال‌های اخیر خصوصی‌سازی شامل فروش ۴۹ درصدی سهام شرکت تولید مواد شیمیایی اسرائیل به گروه آیزنبرگ، فروش ۱۰۰ درصد سهام شرکت کشتیرانی و ۱۰۰ درصد سهام شرکت توسعه مسکن اسرائیل می‌شود.

نام بانک	روش واگذاری	ارزش
شرکت سرمایه‌گذاری IDB	فروش ۴۹ درصد سهام به بخش خصوصی	۲۳۰ میلیون دلار ۳۴۴ میلیون دلار
بانک یونین اسرائیل	فروش ۴۹ درصد سهام به بخش خصوصی	۴۹/۵ میلیون دلار
بانک جنرال اسرائیل	فروش کامل سهام دولتی	۱۶۰ میلیون دلار
بانک هاپوآلیم	مزایده عمومی (با اولویت کارکنان)	۳۶۰ میلیون دلار
بانک لئومی	مزایده عمومی (با اولویت کارکنان)	۲۷۳ میلیون دلار
بانک اومیتد میزراهی	فروش کامل سهام دولتی	-

بانک‌ها و مؤسسات مالی واگذار شده تا سال ۱۹۹۶- منبع: سایت وزارت دارایی رژیم صهیونیستی (۸)

اقتصادی دولت در حال افزایش بود. در این رابطه، سیستم بیمه درمانی ملی معرفی شد و پرداخت‌های مرتبط با رفاه اجتماعی مانند مزایای بیکاری، نگهداری از کودکان، بازنشستگی سالخوردگان و حمایت از حداقل حقوق بطور مداوم توسعه یافتند تا اینکه تبدیل به هزینه‌های بودجه‌ای عظیمی شدند. هدف از تحمل بار این پرداخت‌های انتقالی کاهش رتبه نابرابری در بین کشورهای توسعه یافته بود. (۵)

با آغاز سال ۲۰۰۳ وزیر دارایی وقت، دست به اقدام مهمی در جهت کاهش پرداخت‌های رفاهی، تحریک مشارکت بیشتر نیروی کار، خصوصی کردن شرکت‌هایی که همچنان در دست دولت بودند و کاهش اندازه نسبی کسری بودجه دولت و نیز کاهش اندازه بخش‌های دولتی زد. این فعالیت‌ها نتیجه یک پذیرش جمعی ایدئولوژیک از جانب سیاستگذاران آن زمان در راستای حرکت به سمت بازار آزاد و ادغام هر چه بیشتر در دنیای مدرن در حال جهانی شدن بود. (۶)

در حوزه خصوصی‌سازی شرکت‌ها، از سال ۱۹۸۶ که دولت برنامه خصوصی سازی‌اش را آغاز کرد، تاکنون تنها ۶۴

دولت برنامه روشنی را بدین منظور اعلام نکرده است.

۲-۲) اهداف خصوصی سازی

در ادبیات اقتصادی، خصوصی سازی وسیله کاهش تصدی گری دولت و حرکت به سمت بازار آزاد است. بدین ترتیب اهداف آن در اکثر اقتصادها مشابه می باشد. رژیم صهیونیستی اهداف کلیدی زیر را برای سیاست خصوصی سازی تعیین کرده است: (۱۰)

- ایجاد درجه بالایی از رقابت در بخش تجاری با کاهش تصدی گری دولت تا حد ممکن.
- بهبود کارایی و مدرنیزه کردن شرکت های انحصاری که بطور کامل یا جزئی تحت مالکیت دولت هستند.
- ارزیابی مالی مجدد دارایی های دولتی برای اطلاع از میزان افزایش ارزش آنها نسبت به گذشته و استفاده از آن در جهت کاهش بدهی داخلی دولت.
- توسعه و گسترش میزان مالکیت کارکنان شرکت ها.

در پیش نهاد بودجه ۲۰۰۷ نیز خصوصی سازی معیار مهمی در نظر گرفته شده بود و در متن آن به خصوصی سازی خدمات پستی، شرکت برق، شرکت های آب شهری و بیمارستان های دولتی و به طریقی در رابطه با خصوصی سازی مؤسسات رفاهی دولتی اشاره شده بود. همچنین اقداماتی در جهت واگذاری تصدی گری در شاخه های مختلفی چون خدمات هواپیمایی، امور مربوط به زمین داری و خدمات زندان ها مورد پیش بینی قرار گرفته است. (۹)

همانگونه که ملاحظه شد، فرایند خصوصی سازی در رژیم صهیونیستی با آزدسازی موانع تجاری در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ آغاز شد و در حال حاضر به خصوصی سازی شرکت های مهم دولتی رسیده است که خدمات عمومی ارائه می دهند. طی دوران تصدی وزارت دارایی از سوی بنیامین نتانیاهو در کابینه پیشین، روند فوق شدت گرفت که البته به دلایل امنیتی - انتفاضه و اعتصاب کارگران و افسار آسید پذیر - سرعت آن کاهش یافت. طی سال جاری نیز گویی فرایند خصوصی سازی وارد مرحله رکود خود شده است چرا که

قانون شرکت‌های دولتی که در سال ۱۹۷۵ از تصویب کنست گذشت، یک مرجع قانونی تحت عنوان سرپرستی شرکت‌های دولتی (GCA) تعریف کرد که بایستی در داخل چارچوب وزارت دارایی انجام وظیفه می‌کرد و مسئول نظارت بر شرکت‌های تحت مالکیت دولت بود. در این مجموعه یک بخش ویژه خصوصی‌سازی نیز دایر شد که مسئولیت تدوین و نظارت بر فعالیت‌های خصوصی‌سازی بعهده آن گذاشته شد. (۱۲)

وقتی شرکتی برای خصوصی‌سازی پیشنهاد می‌شود، GCA برنامه‌اش را با هیئت مدیره شرکت مطرح کرده و پیشنهادات را به وزیر اعلام می‌کند. پیشنهادات نهایی به کمیته مسئول خصوصی‌سازی - که رئیس آن نخست‌وزیر است - تحویل داده می‌شود تا قبل از شروع فرآیند به تصویب برسند. به دنبال تصویب این کمیته، GCA به عنوان نماینده وزارت دارایی و وزارت مربوطه، مسئول هماهنگ‌سازی فرآیند واگذاری‌ها می‌شود. در صورتی که شرکت‌های تحت واگذاری دولت از طریق فروش عمومی یا فروش مستقیم به بخش خصوصی واگذار شوند، تأیید کمیته مالی کنست مورد نیاز است. (۱۳)

- توسعه بیشتر بازارهای سرمایه این رژیم با تشویق سرمایه‌گذاران جدید به ورود در اقتصاد مناطق اشغالی بطور کلی این سیاست وسیله مهمی است که توسط آن رقابت اقتصادی تشویق، کارایی تقویت و رشد اقتصادی تحریک می‌شود.

۲-۳) قوانین و مراجع خصوصی‌سازی

بنا به ملاحظات امنیتی و محدودیت جغرافیایی سرزمین‌های اشغالی، اقتصاد رژیم صهیونیستی، ویژگی تمرکز یافتگی داشته و بسیاری از بخش‌های اصلی آن انحصاری است و یا تحت تسلط چند شرکت مهم قرار دارد. این بخش‌ها شامل بانکداری، ارتباطات، انرژی، حمل و نقل، صنایع دفاعی، آب و زمین می‌شود. با توجه به قانون شرکت‌های دولتی، تنها شرکت‌هایی که ۵۰ درصد یا بیشتر سهام آنها متعلق به دولت است به عنوان شرکت‌های تحت اختیار دولت تعریف می‌شوند. بنابراین تعریف، ۱۱۹ شرکت تحت مالکیت دولت قرار می‌گرفتند که ۵۷ مورد از آنها تجاری بودند. این ۵۷ شرکت بالغ بر ۷۵ درصد از کل عایدی دولت از مالکیت شرکت‌ها را تأمین می‌کنند. (۱۱)

۳) نقد و بررسی فرآیند خصوصی سازی در رژیم صهیونیستی:

۳-۱) ناآگاهی از مفهوم و ساز و کار خصوصی سازی
۳-۱-۱) ناآگاهی عمومی

به نظر می‌رسد افکار عمومی در رژیم صهیونیستی آمادگی جذب تغییرات در حوزه مدیریت بخش‌های اقتصادی را نداشته و یا با مکانیسم خصوصی سازی و فواید آن آشنایی کافی ندارند. مسلماً در این زمینه عمده اشکالات متوجه دولت است که زمینه سازی کافی برای عرضه شرکت‌های تحت مالکیت خود را به بخش خصوصی فراهم نساخته است. یکی از علل این مسئله، عدم بهره‌مندی بدنه سیاسی از درک صحیحی نسبت به خصوصی سازی است که به آن خواهیم پرداخت.

آنچه فضای ذهنی حاکم بر خصوصی سازی در رژیم صهیونیستی را نزد مردم شکل می‌دهد، کج اندیشی، بدفهمی و افسانه سازی است. عده بسیاری تصور می‌کنند که خصوصی سازی پدیده‌ای دو قطبی است؛ یعنی یا شرکتی بطور کامل به مالکیت عده‌ای در بخش غیردولتی درمی‌آید یا کاملاً در دستان دولت باقی

فروش‌های خصوصی مستقیم، شامل آماده سازی یک دستور کار پیشنهادی مفصل و ارسال آن برای خریداران و طرف‌های علاقمند می‌شود. پیشنهادهای قیمت اولیه دریافت و خریداران بالقوه انتخاب می‌شوند تا برای مذاکرات بیشتر از آنها دعوت به عمل آید. پیشنهادهای عمومی نیز از طریق اطلاعیه‌ها به عموم اعلام و سهامداران از طریق فرآیند پیشنهاد قیمت بازار انتخاب می‌شوند. به منظور تسهیل فرآیند خصوصی سازی، کمیته‌ای تأسیس شده که متشکل از نخست‌وزیر، وزیر دارایی و وزیر دادگستری می‌باشد. این کمیته حق خصوصی کردن شرکت‌های تحت مالکیت دولت را بدون نیاز به موافقت رئیس شرکت دارد. (۱۴)

از جمله موارد تحت مالکیت این رژیم که در میان کشورهای با اقتصاد پیشرفته، به مثال بارزی تبدیل شده، زمین است. بنا به ماده یک قانون پایه دولت، زمین‌های اراضی اشغالی در اختیار دولت اسرائیل، صندوق ملی یهود و نهاد توسعه است و نایبستی از هیچ مجرای دیگری واگذار شوند. (۱۵)

باشد، سد راه می‌شدند. البته استدلال این عده گوش شنوایی نیز داشته و مدیریت فرآیند خصوصی‌سازی گاه بصورت مشترک انجام می‌گرفته است. (۱۷)

۲-۳) تدوین نامناسب قراردادهای

ردپای ناآگاهی در بدنه دولت نسبت به نحوه خصوصی کردن شرکت‌ها بیش از همه خود را در تدوین قراردادهای واگذاری ظاهر ساخته بود. برای مثال به وزارت دفاع این اختیار داده شده بود تا هر موقع که کاندیداهای بخش خصوصی از نظر این وزارتخانه صلاحیت لازم را نداشته باشند، ادامه فرایند خصوصی‌سازی متوقف شود. این مسئله اشکالات زیادی را در خصوصی‌سازی شرکت‌های مخابراتی و فراهم شدن بی‌نظمی و عدم اطمینان بوجود آورد. (۱۸)

۳-۳) عدم توجه به حقوق کارگران و اقشار تحت حمایت دولت

راه‌حل نتانیاهو برای مقابله با بحران بدهی‌های مالی دولت «برنامه‌ای برای ترمیم اقتصاد اسرائیل» بود که در سال ۲۰۰۳ یعنی زمانی که وی وزارت دارایی را مدیریت می‌کرد، ارائه شد. هدف اصلی این طرح کاهش مخارج بخش دولتی بود که از طریق کاهش دستمزد بخش دولتی، تعدیل نیروی

خواهد ماند. شناخت از ابعاد مختلف خصوصی‌سازی شامل انتقال بخشی از سهام کنترل، تأمین مالی و بهبود موقعیت کارکنان، کمتر در میان عامه مردم به چشم می‌خورد. همچنین این تصور رایج است که تنها دولت می‌تواند خدمات را به خوبی ارائه کند و هر آنچه غیردولتی است از شرایط نامطلوبی برخوردار است. عده‌ای نیز بر این باور هستند که خصوصی‌سازی منجر به تخصص‌زدایی می‌شود در حالیکه به نظر می‌رسد تأکید بیش از حد دولت بر امنیت شغلی، یکی از عوامل مهم تخصص‌زدایی است. (۱۶)

۲-۱-۳) ناآگاهی در بدنه دولت

ناآگاهی عمومی در زمینه خصوصی‌سازی از محل مدیریت فرآیند نشأت می‌گیرد. یعنی حتی در بدنه دولت، بخصوص در مراحل اولیه، ناآگاهی شدیدی نسبت به نحوه واگذاری شرکت‌ها وجود داشت. بسیاری از وزرای دولت بطور علنی عنوان می‌کردند که پس از فروش شرکت‌ها، همچنان روی آنها کنترل خواهند داشت. عده‌ای نیز به منظور ناهموار ساختن مسیر خصوصی‌سازی، با این استدلال که اگر دولت مدیر ناکارآمدی است پس باید واگذاری نیز با مدیریت بخش خصوصی

نیزان و بیچلر دو اندیشمندی که اقتصاد سیاسی رژیم صهیونیستی را مورد بررسی قرار داده‌اند در واقع به محصول و محتوای خصوصی‌سازی انتقاداتی دارند که جالب توجه است. این دو معتقدند دخالت مستقیم دولت در اقتصاد از اواخر دهه ۱۹۶۰ که با تمرکز شدید دولت نیز همراه بوده به آرامی تغییر جهت داده و به دخالت غیرمستقیم و همچنان بیش از حد تبدیل شده است. در شرایط جدید دولت با سیاست‌های پولی و مالی، اقتصاد را بشدت تحت تأثیر قرار داده است که از جمله این مداخلات می‌توان به نقش بودجه دفاعی اشاره کرد. (۲۲)

آنها در کتاب اقتصاد سیاسی جهانی اسرائیل می‌نویسند:

«دهه ۱۹۹۰ برای ایدئولوژی نتولیبرال، آغاز یک دوره جدید در کاپیتالیسم اسرائیل بود. بعد از دهه‌ها ناکارایی، تخصیص نامناسب منابع و مداخله شدید دولت، بالاخره بازار حرف خود را زد. حال بازار جهانی دشمن اسرائیل است و در مقابل او حتی لویاتان (هابز) نیز ضعیف می‌نماید. در آغاز قرن ۲۱، قدرت در اسرائیل با دو کلمه به بهترین شکل توصیف می‌شود: غیاب مالکیت، که البته سه ویژگی مهم دارد: ادغام و تمرکز بالای شرکتی، فراملی‌گرایی فزاینده

کار (اخراج کارکنان)، کاهش مزایای مهاجرین جدید و خانوارهای کم درآمد و افزایش مالیات‌های شهری اجرا می‌شد. طرح وی با اقبال عمومی مواجه نشد و عده زیادی با اعتصاب خود دولت را متوجه تهدیدی کردند که اقشار آسیب‌پذیر جامعه را به نابودی می‌کشاند و تحت لوای افزایش کارایی اقتصادی در راستای خصوصی‌سازی ارائه می‌گردید. (۱۹)

البته نتانیاهو معتقد بود که خصوصی‌سازی به نفع مردم است و دولت نمی‌تواند کارایی بخش خصوصی را در ارائه خدمات داشته باشد، چنانکه در جریان مناقصه واحد ارتباطات بین‌المللی شرکت مخابرات اسرائیل - بزک Bezek - قیمت پیشنهادی داوطلبان برای ارائه خدمات، یک چهارم قیمت دولتی بود. (۲۰)

در بررسی بودجه ۲۰۰۷ که توسط مرکز مشاوره کارگران صورت گرفت نیز هدف اصلی برنامه خصوصی‌سازی کاهش کسری بودجه اعلام شد تا بدینوسیله نگرانی از صدمات وارده به کارگران مؤسسات و شرکت‌های واگذار شده و یا عموم مردم کاهش یابد. (۲۱)

۴-۳) خصوصی‌سازی اسرائیلی؛ جایگزینی تمرکز دولتی توسط تمرکز خصوصی

ماندن تمرکز، امید زیادی به اصلاح ساختارهای اقتصادی در این رژیم نمی‌رود.

پی‌نوشت‌ها:

- 1- www.mof.gov.il/mof3.htm
- 2- www.hagshama.org.il/en/resources/view.asp?id=1851
- 3- Ibid
- 4- Ibid
- 5- Ibid
- 6- Ibid
- 7- www.mof.gov.il/mof3.htm
- 8- Ibid
- 9- www.workersadvicecenter.org/Netanyahu_Redux.html
- 10- www.mof.gov.il/mof3.htm
- 11- Ibid
- 12- Ibid
- 13- Ibid
- 14- Ibid
- 15- www.jewishvirtuallibrary.org/jsource/Society_&_Culture/land.htm
- 16- www.Sp2.upenn.edu/crysp/reports/privatization/chapter5.pdf
- 17- www.jcpa.org/jl/vp442.htm
- 18- Ibid
- 19- www.hagshama.org.il/en/resources/view.asp?id=1851
- 20- www.israel.org/mfa/Archive/Articles/1997/PRIME+Minister Benjamin
- 21- www.workersadvicecenter.org/Netanyahu_Redux.html
- 22- Nitzan, J. and S. Bichler, *The Global Political Economy of Israel*, Pluto Press, 2002, pp 84-86

و ساختاربندی مجدد و مداوم دارایی‌های قابل فروش».

البته نیتزان و بیلچر هشدار می‌دهند که ریشه تمرکز شرکتی در داخل به زنجیره درازی از شرکت‌های خارجی می‌رسد. (۲۳)

نتیجه‌گیری:

خصوصی‌سازی در رژیم صهیونیستی از دهه ۱۹۶۰ با آزادسازی تجارت خارجی آغاز شد. در ابتدا درک لزوم این فرآیند بین دولتمردان قابل توجه بود اما به تدریج که مراحل مختلف واگذاری شرکت‌ها با مشکلاتی مواجه شد معلوم گردید که تلاش زیادی در جهت آماده‌سازی افکار عمومی و حتی مدیران دولتی در مورد ساز و کار خصوصی‌سازی و نیز آماده‌سازی مناسب قوانین و مقررات مرتبط با این فرآیند، صورت نگرفته است. خصوصی‌سازی طی دورانی که بنیامین نتانیاهو وزارت دارایی را در اختیار داشت، شتاب گرفت ولی باز بعد از تغییر کابینه از شتاب آن کاسته شد. برخی اندیشمندان نیز معتقدند که خصوصی‌سازی در رژیم صهیونیستی بطور کارایی صورت نگرفته و برای مثال تمرکز دولتی در بورس تل‌آویو به تمرکز خصوصی تبدیل شده است، در حالیکه هدف خصوصی‌سازی افزایش رقابت و کارایی است که بدین ترتیب با باقی